

# حضرت زهرا علیها السلام و روایت حدیث

## (در منابع اهل سنت)

نهله غروی نائینی \*

### چکیده

فاطمه علیها السلام یکی از چهارده مطهر مورد نظر در آیه شریفه ۳۳ سوره احزاب است که بر اساس اصطلاح محدثان، قول و فعل و تقریر آن حضرت علیها السلام، حدیث محسوب می‌شود.

گرچه پس از رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله اهل بیت آن حضرت مورد کم توجهی و بی‌لطفی مردم مدینه قرار گرفتند و در طول تاریخ خلفا به حذف نام علی بن ابی طالب علیه السلام و خانواده‌اش همت گماشتند و علیه ایشان تبلیغات کردند و حق آن‌ها را غصب و ایشان را شهید کردند، لکن هنوز نشانه‌ها و نمونه‌هایی از فرمایشات و عملکردهای آن بزرگواران در منابع اهل سنت یافت می‌شود. این مقاله با تمرکز بر منابع حدیثی اهل سنت به احادیثی که حضرت زهرا علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده و یا دیگران از فاطمه علیها السلام درباره قول و فعل و تقریر آن حضرت علیها السلام نقل کرده‌اند، پرداخته است که گویای تنوع موضوعات می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فاطمه علیها السلام، زهرا علیها السلام، حدیث.

## مقدمه

«حدیث» در اصطلاح محدثان، به معنای قول و فعل و تقریر معصوم است. حضرت زهرا علیها السلام به شهادت آیه «تطهیر» ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب: ۳۳) و فرمایش‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله که نقل شده است پس از نزول آیه مزبور، هر روز صبح که برای نماز به مسجد تشریف می‌بردند، هنگامی که از کنار خانه فاطمه علیها السلام می‌گذشتند، اهل آن خانه را با تلاوت این آیه برای انجام فریضه نماز مورد خطاب قرار می‌دادند،<sup>(۱)</sup> مشمول این آیه مبارکه است.

یکی از چهارده معصوم نزد حق تعالی و مسلمانان، حضرت فاطمه علیها السلام است. بنابراین، گفته‌های آن بزرگوار، شرح افعال و کردار آن حضرت، حدیث تلقی می‌شوند. این مقاله کوشیده است تا احادیثی از فرمایش‌های آن بانوی بزرگوار را، که در منابع اهل سنت نقل شده‌اند، گرد آورد.

برخی از احادیث نقل شده از حضرت زهرا علیها السلام در مجامع حدیثی اهل سنت و کتاب *معجم کبیر طبرانی* آمده است. تعدادی از آن‌ها توسط راوی آن حضرت به گونه مستقیم و برخی به صورت مرسل نقل شده است که در این مقاله، در دو بخش احادیث «مسند» و احادیث «مرسل» ارائه شده‌اند.

نکته مورد توجه اینکه *طبرانی* در بخش احادیث حضرت فاطمه علیها السلام، ابتدا راویان مرد را ذکر کرده، سپس از راویان زن حدیث جمع‌آوری کرده است. ترتیب نام راویان مرد از حضرت زهرا علیها السلام چنین است: *علی بن ابی طالب*، *عبدالله بن مسعود*، *حسین بن علی*، *عبدالله بن عباس* و *انس بن مالک*. اما اینکه چرا ترتیب خاصی در نظر نگرفته، قابل توجه است.

۱. محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، مستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۱۵۸.

### احادیث مسند

احادیثی را که به صورت مستقیم از فاطمه زهرا عليها السلام نقل شده‌اند یا راوی خود شاهد فعل یا فرموده آن حضرت بوده احادیث «مسند» می‌خوانیم. موضوعات این احادیث عبارتند از:

#### ۱. بیان وظیفه مردان

حسین بن علی عليهما السلام فرمود: شنیدم فاطمه بنت محمد عليها السلام فرمود که رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: «الرجل أحقُّ بِصدرِ دابَّتِهِ و صدرِ فراشِهِ و الصلاةِ فِي منزِلِهِ إِلَّا أَمَاماً يَجْمَعُ النَّاسَ عَلَيْهِ»؛ مرد سزاوارتر است که بر مرکب خود سوار شود و بر بستر خود قرار گیرد و نماز را در منزل خویش بجا آورد، مگر اینکه پیشوایی مردم را به خود بخواند (که در این صورت، وظیفه دارد برود). نعمان<sup>(۱)</sup> گفت: «صدقت بنت محمد رسول الله سمعتُ أبي بشيراً يقول كما قالت فاطمة و قال رسول الله: إِلَّا مَنْ أُذِنَ»؛<sup>(۲)</sup> دختر محمد رسول خدا صلى الله عليه وآله درست گفت. شنیدم پدرم بشیر همین‌گونه می‌گفت که فاطمه عليها السلام فرمود، و گفت: پیامبر صلى الله عليه وآله فرمود: مگر کسی که اجازه داده شده است.

#### ۲. فاطمه عليها السلام و فرزندان

- / أسماء بنت عمیس از فاطمه زهرا عليها السلام نقل می‌کند که روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله نزد او آمد و فرمود: پسرانم (یعنی: حسن و حسین) کجایند؟ حضرت فاطمه عليها السلام فرمود: «أصبحنا و أيس في بيتنا شيء يذوقه ذائق. فقال علي: أذهبُ بهما فإني أتخوفُ أن يَبْكيا عليك و ليس عندك شيء، فذهب إلى فلان اليهودي»؛ صبح که بیدار شدیم، چیزی برای

۱. نعمان بن بشیر، از اصحاب امام حسین عليه السلام.

۲. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الكبير، تحقیق حمدي عبدالمجيد السلفي، القاهرة، مكتبة ابن تيمية، ج ۲۲، ص ۴۱۴.

(حتی) چشیدن نداشتیم. علی علیه السلام فرمود: آن‌ها را می‌برم، می‌ترسم نزد تو (بمانند) گریه کنند، در حالی که چیزی برای خوردن نیست. نزد فلان یهودی رفت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به سوی آن‌ها رفت و آن‌ها را دید که در آبی بازی می‌کنند و نزد آن‌ها مقدار زیادی خرما بود. فرمود: «یا علی، ألا تقلب ابنتی قبل أن یشتدَّ علیهما الحرُّ؟» ای علی، نمی‌خواهی پیش از آنکه گرما بر آن‌ها مستولی شود، آن‌ها را برگردانی؟ علی علیه السلام فرمود: «أصبحنا و لیس فی بیتنا شیءٌ، فلو جلست یا نبی اللہ حتی أجمع لفاطمة تمراتٍ، فجلس النبی صلی الله علیه و آله حتى اجتمع لفاطمة شیءٌ من تمرٍ، فجعلهُ فی صرّته، ثمَّ أقبل، فَحَمَلَ النبی صلی الله علیه و آله أحدهما و علی الآخرَ حتی أفلبها»؛<sup>(۱)</sup> صبح در منزل چیزی برای خوردن نداشتیم. اگر شما، ای پیامبر خدا! بنشینید (تأمل کنید) برای فاطمه مقداری خرما جمع می‌کنم. پس پیامبر صلی الله علیه و آله نشست تا مقداری خرما برای فاطمه جمع کرد و آن را در سبدهش گذاشت. سپس رو به سوی منزل آمدند، پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از بچه‌ها را بغل کرد و علی دیگری را، تا نزد فاطمه علیها السلام رسیدند.

- زینب، دختر/بورافع، نقل می‌کند که حضرت فاطمه علیها السلام در حال بیماری‌اش که در آن از دنیا رفت با حسن و حسین علیهما السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و گفت: «یا رسول اللہ، هذان ابناک فورثهما شیئاً، فقال: أمّا الحسنُ فلهُ هیبتي و سؤدی، و أمّا حسینُ فلهُ جُرأتی و جُودی»؛<sup>(۲)</sup> ای پیامبر خدا، این دو پسران شما هستند، پس چیزی به آن‌ها به یادگار بده. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: به حسن هیبت و بزرگی‌ام را عطا کردم و به حسین، شهامت و بخشش را.

- /بوسعید خدیری نقل کرده است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر حضرت فاطمه علیها السلام وارد شد، در حالی که حضرت علی علیه السلام در خواب بود و حضرت فاطمه بر زمین دراز کشیده بود و دو پسرش هم در کنارش بودند. حسن علیه السلام آب خواست، پیامبر صلی الله علیه و آله

۱. همان، ص ۴۲۳.

۲. همان.

برخواست و برایش تهیه کرد و به او داد. حسین علیه السلام نیز طلب آب کرد و خواست که قبل از حسن علیه السلام آب بنوشد و گریه کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنْ أَخَاكَ اسْتَسْقَى قَبْلَكَ»؛ برادرت قبل از تو آب خواست. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «كَأَنَّ الْحَسْنَ أَثْرُ عِنْدَكَ»؛ گویا حسن برای من مهم تر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا هُوَ بِأَثْرٍ عِنْدِي مِنْهُ وَإِنَّهُمَا عِنْدِي بِمَنْزِلَةٍ وَإِنِّي وَإِيَّاكَ وَهَذَا النَّائِمُ لَفِي مَكَانٍ وَاحِدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ او برای من مهم تر نیست. هر دوی آن‌ها برایم یکسانند. من و این دو و تو و این خفته (یعنی: علی علیه السلام) روز قیامت در یکجا خواهیم بود.<sup>(۱)</sup>

- احمد بن حنبل به سند خود از ابن ابی ملیکه نقل می‌کند که گفت: فاطمه علیها السلام فرزندش حسن بن علی علیه السلام را می‌چرخاند و می‌فرمود: «بَابِي شِبْهَ النَّبِيِّ، لَيْسَ شَبِيهًا بَعْلِي»؛<sup>(۲)</sup> پدرم فدای آنکه شبیه پیامبر است و شباهتی به علی علیه السلام ندارد.

- هیشمی با اسناد خود نقل می‌کند که فاطمه کبری علیها السلام فرمود: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: كُلُّ بَنِي أُمَّ يَنْتَمُونَ إِلَى عَصَبَةِ آلٍ وَوَلَدُ فَاطِمَةَ فَآنَا وَلِيَهُمْ وَأَنَا عَصَبَتُهُمْ»؛<sup>(۳)</sup> پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر فرزندی مادری دارد که فرزند به او روی می‌آورد و برمی‌گردد (ریشه و پی اوست)، غیر از فرزندان فاطمه که من سرپرست آن‌ها و عصبه آن‌ها هستم؛ یعنی ریشه و اصلشان به من بازمی‌گردد.

### ۳. حجاب و عفت حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت علی علیه السلام فرمود: مرد کوری اجازه ورود بر فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله خواست. حضرت فاطمه حجاب خود را برگرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: چرا در حجاب شدی، او که تو را نمی‌بیند؟ فاطمه علیها السلام گفت: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأَنَا أَرَاهُ وَهُوَ يَشْتَمُ

۱. علی بن ابی بکر هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، مصر، ج ۹، ص ۱۷۱.

۲. احمد بن حنبل شیبانی، مسند، مصر، ج ۶، ص ۲۸۳.

۳. علی بن ابی بکر هیشمی، پیشین، ج ۹، ص ۱۷۲.

الريح»؛ ای پیامبر خدا، اگر او مرا نمی‌بیند، من که او را می‌بینم و بوی او را استشمام می‌کند. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ بِضَعْتَهُ مِنِّي»؛<sup>(۱)</sup> حقا که تو پاره‌تن من هستی.

#### ۴. فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَام در سوگ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

- عایشه نقل می‌کند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خانه من مورد شکایت قرار گرفت. فاطمه به سوی او آمد - قسم به آنکه جان عایشه در دست اوست - راه رفتنش مانند راه رفتن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با او رازی را در میان گذاشت که فاطمه گریه کرد، سپس چیزی به او گفت که فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام خندید. گفتم: مانند امروز ندیده بودم که خنده و گریه این قدر به هم نزدیک باشند. گفتم: فاطمه! به من بگو که (پیامبر) چه چیزی به تو گفت؟ فرمود: «مَا كُنْتُ أَفْعَلُ»؛<sup>(۲)</sup> این کار را نمی‌کنم. هنگامی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رحلت نمود، از او (فاطمه) همان سؤال را کردم، گفت: حالا پاسخ می‌دهم: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ جِبْرِيْلَ كَانَ يُعَارِضُنِي الْقُرْآنَ فِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً، وَإِنَّهُ عَارِضُنِي الْعَامَ مَرَّتَيْنِ، وَلَا أَرَى ذَلِكَ إِلَّا عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِي فَاتَّقِيَ اللَّهَ وَاصْبِرْ فَيَنْعَمَ السَّلْفُ أَنَا لَكِ. فَبِكَيْتُ، ثُمَّ سَارَنِي فَقَالَ: أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ تَكُونِي سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ أَوْ قَالَ: نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؟ فَضَحِكْتُ»؛<sup>(۳)</sup> پیامبر فرمود: جبرئیل هر سال قرآن را یک بار بر من عرضه می‌کرد، امسال دو بار عرضه کرد، و این نیست جز آنکه نشانه نزدیک بودن اجلم می‌باشد. پس تقوای الهی پیشه کن و صبر نما. من سابقه خوبی برای تو هستم. (فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام می‌فرماید:) پس گریه کردم. سپس رو به من کرد و فرمود: آیا راضی نیستی که سرور زنان با ایمان باشی؟ یا فرمود: سرور زنان این امت باشی؟ پس خندیدم.

- ام سلمه نقل می‌کند که پیامبر پس از فتح (فتح مکه) فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام را صدا کرد و با او

۱. ابن مغازلی، مناقب، ص ۳۸۰.

۲. در حدیث دیگری از عایشه با سند دیگر، نظیر همین حدیث آمده است که فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام فرمود: «راز رسول خدا را فاش نمی‌کنم.»

۳. همان، ص ۴۱۷-۴۲۱. نظیر این حدیث را نک. در: محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۲۶.

نجوا نمود. او گریه کرد، سپس به او چیزی گفت و او خندید. *أم سلمه* می‌گوید: از او چیزی نپرسیدم تا پیامبر رحلت نمود. پس از آن از فاطمه درباره گریه و خنده‌اش سؤال کردم، «أخبرنی أته یموت، ثم أخبرنی أتی سیده نساء أهل الجنة بعدَ مریم بنتِ عمران، فذلک ضحکتُ»؛<sup>(۱)</sup> به من خبر داد که می‌میرد، سپس خبر داد که من پس از مریم دختر عمران، سرور زنان بهشت‌ام. به این خاطر خندیدم.

- انس از حضرت فاطمه عليها السلام نقل می‌کند که فرمود: «یا أنس کیف طابت أنفسکم أن تحثوا علی رسول الله صلى الله عليه وآله التراب، و أبتاه من ربّه ما أدناه، و أبتاه جنّة الفردوس مأواه، و أبتاه الی جبریل تنعاه، و أبتاه أجاب ربّاً دعاه»؛<sup>(۲)</sup> ای انس، چگونه توانستی بر پیامبر صلى الله عليه وآله خاک بریزی؟ ای پدر، چقدر به پروردگار نزدیک هستی! ای پدر، بهشت جایگاه توست! ای پدر، خبر رحلت را به جبرئیل دادند! ای پدر، پروردگار دعایت را اجابت کرد!

- ابن عبد ربّه در کتابش آورده است که فاطمه عليها السلام بر مزار پدر ایستاد و گفت:

إِنَّا فَدَنَّاكَ فَفَدَّ الْأَرْضِ وَإِلَيْهَا  
فَلَيْتَ قَبْلَكَ كَانَ الْمَوْتُ صَافِنَا  
و غَابَ مُذْ غَبَتَ عَنَّا الْوَحْيُ وَالْكَتُبُ  
لِإِذَا نَعَيْتَ وَحَالَاتِ دُونَكَ الْكَتُبُ.<sup>(۳)</sup>

- ابن ابی الحدید نیز می‌نویسد که افراد زیادی گریه و عزادری حضرت فاطمه عليها السلام را در زمان رحلت پدرش و پس از آن چنین نقل کرده‌اند: «یا ابتاه جنّة الخلدِ مئواه، یا ابتاه عندَ ذی العرشِ مأواه، یا ابتاه کانَ جبریلُ یغشاه، یا ابتاه لستُ بعدَ الیومِ أراه»؛<sup>(۴)</sup> ای پدر، بهشت جاودان سرایت! ای پدر، نزد صاحب عرش مأویت! ای پدر، جبریل تو را دربرگرفت! ای پدر، پس از امروز تو را نخواهم دید.

۱. همان، ص ۴۲۲ / محمد بن عیسی بن سوره ترمذی، سنن ترمذی، مصر، ۱۳۵۸، ج ۵، ص ۷۰۱.  
۲. همان، ص ۴۱۷ / و نیز نک: محمد بن اسماعیل بخاری، پیشین، ج ۶، ص ۱۸ / علی بن احمد نسائی، سنن نسائی، قاهره، ۱۳۴۸، ج ۴، ص ۱۲.  
۳. ابن عبد ربّه (احمد بن محمد)، عقد الفرید، مصر، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۲۸.  
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۴۳.

- علی بن علی هلالی از پدرش نقل می‌کند که گفت: بر رسول خدا ﷺ وارد شدم، در حالی که آن حضرت در شرایطی بود که رحلت فرمود. فاطمه علیها السلام بالای سر آن حضرت بود و گریه می‌کرد، به گونه‌ای که صدایش بلند شد. پیامبر رو به او فرمود: «حبیبتی فاطمةُ مَا الَّذِي يُبْكِيكِ؟»؛ عزیزم فاطمه! چه چیزی تو را به گریه انداخت؟ گفت: «أَخَشَى الضَّيْعَةَ بَعْدَكَ»، از سختی و تنگی (زندگی) پس از شما می‌ترسم. پیامبر فرمود: «يا حبيبتي أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - إِطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ...»؛ عزیزم! آیا نمی‌دانی که خدای عزوجل به اهل زمین خبر داد که ... در این فرمایش، رسول الله ﷺ با بشارت‌هایی حضرت فاطمه علیها السلام را دل‌داری داد. (۱)

- انس بن مالک نقل می‌کند که حضرت فاطمه علیها السلام نزد رسول الله ﷺ نشست، در حالی که سختی و شدت مرگ بر آن حضرت بیشتر می‌شد، آن حضرت سرش را بلند کرد و فرمود: «واکرباه، فبکت فاطمةُ و قالت: واکرباهُ لکربک یا أبتاه»؛ وای از سختی! و فاطمه علیها السلام عرض کرد: وای از سختی به خاطر سختی تو، ای پدر! رسول خدا ﷺ فرمود: «لاکرب علی أییک بعدَ الیوم»؛ (۲) پس از امروز، دیگر بر پدرت سختی نیست.

##### ۵. طلب میراث پدر

- بخاری در کتاب صحیح، به سند خود از عایشه دختر ابابکر، همسر رسول الله ﷺ، نقل می‌کند که گفت: فاطمه دختر رسول خدا ﷺ پس از رحلت آن حضرت از ابوبکر خواست تا میراث او را از مایملک رسول الله ﷺ، که بر جای مانده است، بدهد. ابوبکر پاسخ داد: پیامبر ﷺ فرموده است: «لا نُورَثُ، ما ترکناه صدقةً»؛ ما پیامبران ارثی باقی نمی‌گذاریم؛ آنچه می‌ماند صدقه است.

۱. ر.ک: علی بن ابی بکر هثمی، پیشین، ج ۹، ص ۱۶۵.

۲. ابن عبد ربّه، پیشین، ج ۳، ص ۲۳۰.



پس فاطمه غضب کرد و از ابوبکر دوری جست. عایشه گفت: فاطمه از ابوبکر سهمش را از میراث رسول خدا از خیبر، فدک و صدقه آن حضرت برای مدینه طلب کرد.<sup>(۱)</sup>

- ابوداود نیز به سند خود از ابوطیفیل نقل کرده است که گفت: «جاءت فاطمة - رضی الله عنها - الى ابي بكرٍ يطلب ميراثها من النبي صلى الله عليه وآله. فقال ابوبكر. سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول: ان الله - عز وجل - اذا اطعم نبياً طعمه فهي لذی يقوم من بعده»؛<sup>(۲)</sup> فاطمه برای درخواست میراث پدرش پیامبر نزد ابوبکر آمد. ابوبکر به او گفت: از پیامبر صلى الله عليه وآله شنیدم که می‌گفت: هرگاه خدای عزوجل چیزی را به پیامبری داد، آن برای کسی است که پس از او جانشین وی می‌گردد.

- بیهقی به سند خود از معمر از زهری از عروة از عایشه نقل می‌کند که گفت: «ان فاطمة و العباس - رضی الله عنهما - اتيا ابابكرٍ يَلتمسانِ ميراثهما من رسول الله و هما حينئذٍ يطلبانِ أرضه من فدكٍ و سهمه من خيبر...»؛ فاطمه و عباس نزد ابوبکر آمدند و میراث خود از رسول خدا را طلب کردند؛ در آن موقع، زمین فدک و سهم او را از خیبر می‌خواستند ... سپس می‌گوید: «فغضب فاطمة - رضی الله عنه - و هجرته فلم تكلمه حتى ماتت فدقنها علي - رضی الله عنه - ليلاً و لم يؤذن بها ابابكرٍ»؛<sup>(۳)</sup> پس فاطمه بر او غضب کرد و از او دوری گزید و تا وقتی که از دنیا رفت با او سخن نگفت. پس علی عليه السلام او را شبانه دفن کرد و ابوبکر را خبر نکرد. طبری و یعقوبی نیز در کتاب تاریخ خود، مانند این روایت را نقل کرده‌اند.<sup>(۴)</sup>

۱. محمد بن اسماعیل بخاری، پیشین، ج ۴، ص ۹۶.

۲. سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابی داود، قاهره، ج ۳، ص ۱۴۴.

۳. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، سنن الکبری، حیدرآباد (هند)، ج ۶، ص ۳۰۰.

۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، مصر، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۰۸ / احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، نجف، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۷.

### ۶. حمایت از ولایت و خلافت

حضرت فاطمه علیها السلام تا وقتی زنده بود برای دفاع از حق ولایت و امامت همسرش علی علیه السلام بسیار کوشا بود.

ابن ابی الحدید از احمد بن عبدالعزیز جوهری به سند او تا ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام نقل می‌کند که حضرت علی علیه السلام شبانه حضرت فاطمه علیها السلام را سوار بر الاغ به در خانه انصار می‌برد و از آن‌ها یاری می‌طلبید و حضرت فاطمه علیها السلام نیز طلب یاری می‌کرد...<sup>(۱)</sup>

### ۷. درباره خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها

- ابن ماجه به سند خود از فاطمه بنت حسین از حسین بن علی علیه السلام از مادرش فاطمه دخت رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «قال رسول الله صلی الله علیه و آله: أَلَا لَا يَلُومَنَّ امْرَأَةً إِلَّا نَفْسَهُ بَيْتٌ وَ فِي يَدِهِ رِيحٌ غَمْرٍ»؛<sup>(۲)</sup> آگاه باشید که شخص جز خودش را ملامت نکند آن‌گاه که بخوابد و در دستش بوی چربی باشد. کنایه از این است که اگر هنگام خواب، نظافت را رعایت نکند، قابل ملامت است.

- طبری با حدیثی بلند از جعفر بن محمد علیه السلام از پدرانش از حضرت علی علیه السلام از حضرت فاطمه علیها السلام نقل می‌کند که فرمود: «قال لي رسول الله: يا حبيبة ابيها، كل مسكر حرام و كل مسكر خمر»؛<sup>(۳)</sup> عزیز پدر! هر مست‌کننده‌ای حرام و پوشاننده (عقل) است.

### احادیث مرسل از حضرت فاطمه علیها السلام

حدیث «مرسل» حدیثی است که از سلسله سند راویان آن نام یک نفر یا بیشتر حذف باشد. به عبارت دیگر، حدیثی را که تابعی مستقیماً از معصوم نقل کند «مرسل»

۱. ابن ابی الحدید، پیشین، ج ۶، ص ۱۳.

۲. محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، قاهره، ج ۲، ص ۱۰۹۶.

۳. محمد بن جریر طبری، دلائل الامامة، نجف، ۱۳۸۳، ص ۳.

می‌گویند؛ مانند حدیثی که یکی از نوادگان حضرت زهرا علیها السلام مانند فاطمه بنت الحسین علیها السلام یا یکی از بستگان، که آن حضرت را ملاقات نکرده است، مستقیماً از آن حضرت نقل کند.

- فاطمه صغری (بنت الحسین علیها السلام) از فاطمه کبری علیها السلام نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لِكُلِّ بَنِي أَنْثَى عَصْبَةٌ يَنْتَمُونَ إِلَيْهِ إِلَّا وَلَدُ فَاطِمَةَ فَأَنَا وَلِيُّهُمْ وَأَنَا عَصْبَتُهُمْ»<sup>(۱)</sup> شبیه این حدیث را خطیب بغدادی از فاطمه بنت الحسین نقل کرده است.<sup>(۲)</sup>

- همو نقل می‌کند که آن حضرت علیها السلام فرمود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَالَ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَ إِذَا خَرَجَ قَالَ، مِثْلَهَا إِلَّا أَنَّهُ يَقُولُ: أَبْوَابَ فَضْلِكَ»؛<sup>(۳)</sup> رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه وارد مسجد می‌شد، می‌فرمود: بارالها! گناهان مرا بیامرز و درهای رحمتت را بر من بگشای، و هنگامی که خارج می‌شد، همان را می‌گفت و به جای «أبواب رحمتك» می‌فرمود: «أبواب فضلك».

- نیز خطیب بغدادی به سند خود از عبد الله بن حسن از مادرش از فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خِيَارُكُمْ الْيَنْكَبُ فِي الصَّلَاةِ»<sup>(۴)</sup> بهترین شما کسانی هستند که بهتر به جایگاه‌های نماز روی آورند.

۱. سلیمان بن احمد طبرانی، پیشین، ج ۲۲، ص ۴۲۳.

۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، او مدینه اسلام، قاهره، ج ۱۱، ص ۲۸۵.

۳. همان / محمد بن یزید قزوینی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۳ / شبیه این روایت را نک: در احمد بن حنبل، پیشین، ج ۶، ص ۲۸۲.

۴. خطیب بغدادی، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۹-۵۰.